

بزهکاری پیشرفته

(قسمت اول)

محمد اسحاقی

چکیده:

بزه و بزهکاری، عمری همپای عمر بشر دارد؛ به گونه‌ای که جزء جدا ناشدنی و انکارناپذیر زندگی او شده است و در تمام جوامع و در تمام زمان‌ها قابل مشاهده بوده و هست. آنچه که با مطالعه در سیر تحول بزه به چشم می‌خورد، نقش مؤثر «فن» و «فن‌آوری» در نوع، کیفیت و چگونگی ارتکاب آن می‌باشد. «فن» و «فن‌آوری» هم موجب به وجود آمدن بزه‌های جدید شده است و هم موجب تغییر و دگرگونی در کیفیت بزه‌های موجود و سنتی شده است و هم تحول اساسی در نحوه ارتکاب آن پدید آورده است. به عبارت دیگر «فن‌آوری پیشرفته» موجب به وجود آمدن «بزهکاری پیشرفته» شده است.

«بزهکاری پیشرفته» به دنبال بیان رابطه وثیق و مؤثر «فن‌آوری، بزه و بزهکاران» است و در صدد پاسخگویی به این سؤال‌هاست که: چرا و چگونه بزهکاران از فن‌آوری، علم و دانش و پیشرفتهای جامعه بشری در راه اهداف جنایتکارانه خویش بهره و سود می‌برند؟ آیا ماهیت و محتوای «فن‌آوری» خنثی و بی‌طرف است و یا مشکل را باید در ذات و ماهیت «فن‌آوری» نیز جستجو کرد؟ این نوشتار پس از تبیین ماهیت «فن‌آوری»، به چگونگی بروز جنبه‌های منفی «فن‌آوری» و سیطره آن بر انسان اشاره کرده و خاستگاه «بزهکاری پیشرفته» را معرفی می‌کند.

در ادامه آنجا که دانشمندان و مخترعان خود در کسوت بزهکاران در می‌آیند. به نقش بزهکاران در تولید فن‌آوری، دانش و توسعه میدان‌های علم اشاره نموده و چگونگی دستیابی آنان به علم و فن‌آوری را بیان می‌کند.

«بی تردید بزه و بزهکاری، عمری به درازنای عمر بشر در روی زمین دارد؛ چنانکه امکان ارتکاب بزه و جنایت از سوی انسان در روی زمین، قبلاً از سوی فرشتگان در جریان مکالمه خداوند تبارک و تعالی با آنها پیش‌بینی شده بود. در این مکالمه که جریان آن در آیه ۳۰ سوره بقره ذکر شده، آمده است:

«هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: بر آنم که در زمین جانشینی قرار دهم؛ فرشتگان گفتند: آیا در زمین کسی را قرار می‌دهی که در آن فساد می‌کند و خون می‌ریزد؟ در حالی که ما ستایش و سپاس تو می‌گوییم و تو را تقدیس می‌کنیم. پروردگار فرمود: من می‌دانم آنچه را که شما نمی‌دانید.»^(۱)

با اینکه خداوند در صدد بود که این آفریده تازه خود را که نام انسان بر او نهاده، خلیفه، جانشین، مثل و نمونه خود قرار دهد، ولی به لحاظ طبیعت خاکی و زمینی مستتر در وجود او، فرشتگان این جرأت و جسارت را یافتند که آنچه را که گِل و خاک و طبیعت زمینی و ملکی اقتضای آن را دارد؛ یعنی فساد و بزه و مصداق بارز و کامل آن قتل و خونریزی؛ مورد سؤال قرار دهند.

دیری از پیدایش اولین انسانها نپایید که خدعه، نیرنگ و وسوسه‌های ابلیس، دشمن ازلی و ابدی آدم و فرزندان او، سبب رانده شدن آنها از بهشت خدا و سکنی گزیدن در زمین شد.^(۲) و نیز دیری از خاک نشینی انسان نپایید که با قتل «هابیل» از سوی «قابیل»، پیش‌بینی فرشتگان تحقق یافت و بدین ترتیب، اولین بزه که اتفاقاً بزرگترین آن نیز می‌باشد، در روی زمین و در میان ساکنان اندک آن واقع شد.

با مطالعه ماجرای اولین بزه و جنایت در روی زمین در آیات الهی، درمی‌یابیم که استفاده مجرمان و بزهکاران از دانش، دانایی و یادگیری در هنگام ارتکاب جنایت نیز عمری به درازنای عمر بشر در روی زمین

دارد.

هنگامی که «قابیل»، اولین انسان بزهکار در روی کره ارض، با تخطی از اوامر الهی و فطرت انسانی، اقدام به کشتن هابیل، سمبل راستی و درستی می‌کند، از اقدام خود پشیمان گشته و متحیر و سرگردان در اختفای جنایت خویش باز می‌ماند. در این هنگام قابیل کلاغی را می‌بیند که اقدام به حفر زمین می‌کند تا جسد کلاغی را که کشته است، در آن دفن کند.^(۳) قابیل از این عمل کلاغ درس گرفته و اقدام به اختفا و دفن جسد «هابیل» می‌کند و بدینسان است که دانش و یادگیری اولین بار در خدمت اهداف نامیمون جنایتکاران و بزهکاران در طول تاریخ بشری قرار می‌گیرد و به همین ترتیب در طول قرن‌ها و با پیشرفت هر فن آوری، اختراع هر وسیله، ابداع هر روش و کشف هر نیرویی بی‌درنگ شاهد به کارگیری آن از سوی جنایتکاران هستیم.

در طول تاریخ، بدون هیچ وقفه‌ای، چشم و گوش نیز بزهکاران متوجه آکادمیهای علوم و آزمایشگاههای دانشمندان، مخترعان و مکتشفان کشورها بوده و هست. آنان سعی داشته و دارند که قبل از هرگونه بهره‌برداری بشری، این دستاورد را دستیابی به نیات پلید خود به کار برند و چه بسا در این راه منتظر اختراع و اکتشاف دانشمندان نیک‌اندیش نشده بلکه خود با توجه به قدرت فراوان حاصله از دانش و فن آوری و با بهره‌گیری از هوش و دانش دانشمندان بدانندیش، تلاش وسیعی را در به خدمت گرفتن دانش و فن آوری داشته‌اند.

تاریخ بشر مملو از خاطرات، مخاطرات، وقایع و حوادث تلخی است که چگونه قدرتمندان، حکام، پادشاهان و کشورگشایان، دانشمندان هر شهر و دیاری را برای رسیدن به اهداف خود، تحت سخت‌ترین شکنجه‌ها قرار دادند و محصول فکری آنان را در جهت خواسته‌های غیر انسانی خود به کار گرفته‌اند.

متأسفانه این واقعیت خود را به صورت یک سنت ثابت نشان می‌دهد که قبل از هر کس، انسانهای بدانندیش، محصولات پیشرفت دانش و فن آوری

بشری را مستقیم یا غیر مستقیم از طریق ارباب، تهدید، تطمیع، فریب و نیرنگ در خدمت خود می‌گیرد.

در طول قرن‌ها، تمدن بشری پیشرفت زیادی کرده است. به شهادت تاریخ و بر اساس یک سنت الهی، هیچگاه دستاوردهای تمدن بشری نابود و از بین نمی‌رود، بلکه به انسانها و تمدنهای دیگری که در حال جان گرفتن و برخاستن است، تحویل داده می‌شود. «و تلك الايام نداولها بين الناس»^(۴)

بر این اساس، همیشه شاهد پیشرفت نوآوری دانش، فن‌آوری و تمدن بشری در عرصه‌های مختلف هستیم و همواره نیز همپای آن، در نوع بزه، جنایات، به‌کارگیری سلاحها و روشهای ارتکاب بزه نیز شاهد تحول، پیشرفت و نوآوری بوده‌ایم.

بدین سان می‌توان گفت، در همان زمانی که قلب دانشمندان، مخترعان، مبدعان و مکتشفان از یک کشف، ابداع و اختراع جدید که نوید زندگی بهتری را به مردمان می‌دهد، مالا مال از شوق و امید می‌شود، درست در همان زمان در نقطه‌ای دیگر که لزوماً دور یا نزدیک نیست، گروه بزهکاران با حرص، آز و ولع سیری‌ناپذیری در فکر تصاحب و به‌کارگیری آن در جهت عکس منافع بشریت هستند و این سرآغاز فرآیندی به نام «بزهکاری پیشرفته» می‌باشد.

هم اکنون یک رابطه آشکار و مستقیم بین «بزهکاری» و «فن‌آوری» قابل مشاهده و اثبات است؛ به گونه‌ای که به هر میزان که «فن‌آوری» توسعه یابد و پیشرفت نماید، به همان میزان نیز «بزهکاری» توسعه یافته و پیشرفت می‌کند. به عبارت دیگر «بزهکاری پیشرفته» معلول و نتیجه «فن‌آوری پیشرفته» می‌باشد و شکل‌های گوناگون و جدید فن‌آوری، شکل‌های متنوع و نویی از بزهکاری به دنبال دارد. این رابطه و تعامل پیوسته و مداوم وجود داشته و خواهد داشت و به صورت یک رابطه دایمی، پیشرفت و توسعه

یکی، باعث پیشرفت و توسعه دیگری خواهد بود.

بدیهی است با توجه به توسعه و پیشرفت روز افزون کمی و کیفی بزهکاری، نیروهای انتظامی و نظامی در مقابله با آن، احتیاج به روشها، وسایل و تجهیزات پیشرفته دارند؛ به تعبیر دیگر، همچنانکه توسعه و پیشرفت بزهکاری مدیون «فن آوری پیشرفته» است، مقابله با آن نیز تنها با بهره‌گیری از فن آوری پیشرفته و این بار چند گام جلوتر از بزهکاران، ممکن خواهد بود. حال در اولین گام در جهت شناخت و مقابله با بزهکاری پیشرفته، لازم است، تعریف و ماهیت «فن آوری» و «چگونگی و میزان تأثیر آن بر بزهکاری» به درستی بررسی و شناخته شود.

تعریف فن آوری (تکنولوژی)

فن آوری از واژه لاتین (Technology) گرفته شده و در فارسی به معنای «شناخت فن» یا «فن شناسی» است که اخیراً از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی واژه «فن آوری» به عنوان برابر فارسی آن تعیین شده است. از فن آوری و تکنولوژی تعاریف گوناگونی صورت گرفته است؛ در فرهنگ لغت و بستر (چاپ هفتم) «فن آوری» به «ابزاری تکنیکی اطلاق می‌شود که برای رسیدن به اهداف عملی به کار می‌آید». چنانکه ملاحظه می‌شود، در این تعریف فن آوری به عنوان «ابزاری کارآمد» محسوب شده است. در تعریف دیگری از فن آوری آمده است: «فن آوری به هر دانش عملی نظام یافته‌ای اطلاق می‌شود که بر تجربه و یا نظریه عملی مبتنی باشد و توان جامعه را در تولید کالاها و خدمات افزایش دهد و در قالب مهارتهای تولید و سازمانها و ماشین آلات تجسم یابد.» (۵)

در این تعریف فن آوری با «ابزار و ماشین» یکی دانسته نمی‌شود، بلکه فن آوری یک نوع دانش است که به گونه‌ای خاص پدید می‌آید و ثمره عملی این

دانش، افزایش توان جامعه در تولید کالا و خدمات و شکل نهایی آن، ماشین و ابزار خواهد بود. دانستن تعریف و ماهیت فن آوری از نظر فلاسفه غرب نیز جالب می باشد.

«یاسپرس» یکی از فیلسوفان معاصر غرب در تعریف فن آوری می گوید:

«فن و تکنیک همچون وسیله است و تکنیک با به کار بردن وسیله ای برای

رسیدن به منظوری پدید می آید.»^(۶)

از سوی «هایدگر» یکی دیگر از فیلسوفان معاصر غرب دو تعریف از

فن آوری صورت گرفته است؛ در تعریف اول همانند یاسپرس

«فن آوری را ابزار و وسیله ای می داند که برای رسیدن به غایت و هدفی به کار

گرفته می شود.» و در تعریف دوم «فن آوری را فعالیتی انسانی معرفی می کند» و

آنگاه با ربط دادن این دو تعریف با هم می گوید:

«زیرا برآوردن غایات و اهداف با استفاده از امکانات و وسایل نوعی فعالیت

انسانی است.»^(۷)

آنچه که درباره این تعاریف باید گفت، آن است که این تعاریف از نظر

هایدگر در عین درستی و صحت، از حقیقت برخوردار نیست،^(۸) زیرا امر

صحیح یا صادق، آن چیزی را بررسی و مطالعه می کند که به نحوی با شیء مورد

مطالعه ارتباط دارد، اما امر حقیقی یا حقیقت، ماهیت شیء را بررسی می کند. از

نظر «هایدگر»، تعاریف ابزاری و انسان شناختی «فن آوری» تعاریف صحیح

فن آوری هستند که ماهیت فن آوری را برای ما روشن نمی کنند، بلکه از ارتباط

ماهیت فن آوری با غیر انسان و اهداف سخن می گویند. خلاصه آنکه تصور

ابزاری از فن آوری، شرط ایجاد نسبت صحیح با آن است، اما شرط ایجاد،

نسبت آزاد با فن آوری نیست. آنچه موجب برقراری نسبت با فن آوری می باشد،

تصور حقیقی داشتن از آن است؛ به عبارت دیگر، برای شناخت امر حقیقی باید

امر صحیح را شناخت. از این رو برای فهم ماهیت فن آوری، باید به تعریف

درستی از «ابزار» دست یابیم. حال سؤال این است که: ابزار چیست؟ در تعریف ابزار گفته شده است: «ابزار چیزی است که با آن بر چیز دیگری تأثیر گذارده می شود و بنابراین چیزی را به دست می آوریم».^(۹)

چنانکه گفته شد، از تکنولوژی در علوم و رشته های مختلف تعاریف مختلفی صورت گرفته است. در اینجا به تعریف «فن آوری» در علم اقتصاد که به روشنی رابطه آن با بزهکاری را روشن می کند، اشاره می کنیم. در نظریه اقتصاد معمولاً فن آوری به دو گونه تعریف می شود:^(۱۰)

الف - فن آوری عاملی است که با به کارگرفتن آن و با هزینه ای برابر با قبل، می توان به تولیدی بیش از تولید گذشته رسید.

ب - فن آوری عاملی است که با هزینه ای کمتر از قبل می توان به تولیدی برابر با تولید قبل رسید.

همچنین از نظر علمای اقتصاد، فن آوری به دو قسمت تقسیم می شود: اختراع و ابداع؛

اختراع را عبارت از کشف راه و روش جدید و ابداع را عبارت از به کارگیری اختراع در تولید می دانند.^(۱۱)

همچنین باید بین گسترش علم خالص و به کار بردن آن در امر تولید تفاوت قائل شد: زیرا ممکن است در یک کشور تمایل به یکی از این دو یا هر دو آنها وجود داشته باشد. مثلاً در قرن نوزدهم در فرانسه تمایل به توسعه علم خالص بسیار بوده است، ولی انگلیسیها در آن زمان اشتیاق به اختراعاتی داشتند که در کسب و کار آنها گشایشی به وجود آورد. در قرن بیستم وضع تغییر کرد؛ یعنی مخترعان و دانشمندان انگلیسی در جهت افزایش علم خالص در علوم مختلف، از جمله: ریاضیات، فیزیک، شیمی، و... سعی فراوان داشتند، در صورتی که آمریکا می کوشید تا نخستین کسی باشد که از این علوم برای تولید بیشتر استفاده کند. بر همین اساس، اگر چه عمده کارهای نظری انرژی اتمی به

وسیله دانشمندان اروپایی صورت گرفت، ولی نخستین بمب اتمی را آمریکاییها ساختند و بدون هیچگونه تردیدی در جنگ جهانی دوم علیه ژاپن به کار بردند که نتیجه آن، یک تراژدی بزرگ انسانی بوده است.

با توجه به این وجوه متمایز در مفهوم فن آوری، گفتنی است که بزهکاران و تبهکاران بیشتر از هر چیز، در فکر تصاحب نظریه‌ها و نزدیک کردن آن به عمل هستند و همیشه از این راه میان‌بر سود می‌برند.

بر این اساس، آنان همیشه در صدد دستیابی به اطلاعات و دستاوردهای علمی محرمانه و یا آشکار هستند تا با چندین واسطه آن را به عمل نزدیک کرده و در جهت رسیدن به اهداف خود به کار گیرند: این تلاش معمولاً منجر به تشکیل مراکز و آزمایشگاههای علمی مجهز و مخفی و یا آشکار ولی با پوشش مناسب می‌شود که از دانشمندان و استادان برجسته هر کشوری نیز سود می‌برند.

«آشر» تقسیم‌بندی دست اندرکاران فن آوری را تنها به دو گروه مخترع و مبدع نمی‌پسندد. به نظر وی، با استفاده از علم روان‌شناسی جدید، تمامی فعالیتهای انسان در رابطه با نوآوریها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف - بخشی از فعالیتهای (اعمال) ذاتی انسان که غریزی است و آموختنی نمی‌باشد. اختراعاتی که جنبه علمی دارند در این محدوده قرار می‌گیرند.

ب - اعمال مهارتی که شخص آنها را از طریق تقلید یا آموزش فرا می‌گیرد، ابداعات و نوآوری‌های جدید عملی در این محدوده هستند.

ج - نوآوری ناشی از درک آموخته‌ها و تجارب قبلی، اصلاحات و تغییراتی که در شیوه کار به عمل می‌آید، بدون آن که زمینه علمی را توسعه دهد در این محدوده قرار دارند. (۱۲)

ملاحظه روشها، فنون و چگونگی انجام عملیتهای تبهکارانه نشان می‌دهد که بزهکاران، در هر سه زمینه فوق، فعالیتهای خود را با نوآوری

هماهنگ کرده‌اند؛ هم‌دست به اختراعاتی که جنبه علمی داشته است زده‌اند، هم به ابداعات و نوآوری‌های جدید عملی در ارتکاب بزه اقدام کرده‌اند و هم با توجه به تجارب قبلی و شناختِ ضعفها و اشکالات کار، دست به اصلاحات و تغییراتی در شیوهٔ عملیات بزهکارانه خود زده‌اند. این امر نشان می‌دهد که بزهکاران همپای دانشمندان در به‌کارگیری فن‌آوری عمل می‌کنند و چه بسا با توجه به دید عملگرایانه آنان، زودتر از دانشمندان محصولات عینی علوم خالص و محض را به کار می‌گیرند.

مقایسه تعریف فن‌آوری و فن

دو اصطلاح «فن‌آوری» و «فن» را اغلب به طور مترادف به کار می‌برند و در بسیاری از تعاریف، تفاوت بین دو مفهوم فن‌آوری و فن به کلی از نظر دور مانده است. همانند تعریف‌های زیر: به نظر بارانسون^(۱۳) (۱۹۹۶)، فن‌آوری عبارت است از «طراحی فرآورده‌های تکنیک‌های تولید و نظام‌های مدیریت به منظور سازماندهی و اجرای برنامه‌های تولیدی»^(۱۴).

گالبرایت^(۱۵) معتقد است فن‌آوری یعنی «کاربرد منظم معلومات علمی در موارد عملی»^(۱۶) و تعریف روبر^(۱۷) از فن‌آوری عبارت است از «مجموع معلومات هر اجتماع در زمینه حرفه‌ها و فنون صنعتی»^(۱۸).

در بعضی از تعاریف نیز سعی بر تفاوت‌گذاری بین فن‌آوری و فن صورت گرفته است، مانند تعریف سازمان همکاریهای اقتصادی اروپا که پیشنهاد می‌کند:

«اصطلاح فن‌آوری به فعالیت تکنولوژیکی مبتنی بر نوآوری‌های مهم و اصطلاح فن به نوآوری‌های کمتر مهم اختصاص یابد»^(۱۹).

در این راستا تعریف زیر از فن‌آوری و تکنیک دقیق‌تر به نظر می‌رسد: بر این اساس می‌توان «فن‌آوری» را به معنای «توانایی ایجاد (یا انتخاب) فن

مختلف و کاربرد و تکمیل احتمالی آنها و تکنیک را به معنای «ترکیبی از عملیات قابل استفاده در تولید یک کالای معین» در نظر گرفت. از این دیدگاه، «فن» به منزله مجموعه‌ای از طرز کار و روشها و «فن‌آوری» به منزله مجموعه‌ای از معلومات و تجربیات خواهد بود.

برای مثال «لاینو تایپ» و «حروفچینی مسطح» را می‌توان دو فن مختلف برای تولید روزنامه و کتاب دانست. همانطور که «پرس کردن» و «کاربرد حلال‌ها» دو تا تکنیک مختلف برای «روغن‌کشی» است. این تکنیکها به ترتیب با فن‌آوری چاپ و فن‌آوری تبدیل دانه‌های روغنی ارتباط می‌یابند.

چنانکه مشاهده می‌شود، فن‌ها تحول می‌یابند و جانشین یکدیگر می‌شوند، حال آنکه فن‌آوری فقط غنی‌تر می‌شود و توسعه می‌یابد. (۲۰)

همچنین بین «فن‌آوری» و «علم محض» تفاوتی وجود دارد. اولی هدفش افزایش بازده بر حسب شیوه‌های مختلف تولیدی است. در حالی که دومی در ذات خود، مستقل از هرگونه اجرا و کاربرد انتفاعی است. اولی در جست‌وجوی بهره‌برداری از طبیعت و دومی در جست‌جوی شناخت طبیعت است. (۲۱).

چنانکه ملاحظه می‌شود، این تمایز نشان از تفاوت‌های ذاتی و بنیادین فن‌آوری و تکنیک دارد.

قابل ذکر است که لزوماً تحقیقات علمی محض و کاربردهای فن‌آوری علوم در هر زمان و مکانی به موازات هم پیش نمی‌روند؛ چه اینکه ممکن است در کشوری یکی بر دیگری پیش گرفته باشد. به هر حال، صرف‌نظر از تعاریف گوناگون از فن‌آوری، می‌توان آن را «به منزله توانایی آدمی در استفاده از طبیعت برای تولید نیازمندی‌هایش» (۲۲) در نظر گرفت.

آیا ماهیت «فن آوری» خنثی و بی طرف است؟

در مورد «بی طرف بودن» فن آوری و یا «جهت دار بودن» آن دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول معتقد است که فن آوری بی طرف نیست تا بتوان از آن هم حسن بهره برداری و هم سوء بهره برداری نمود، بلکه دارای جهت و گرایش می باشد.

مارشال مک لوهان، از برجستگان علم ارتباطات، در این باره می گوید: «وسیله همان پیام است». او معتقد است نفس وسایل ارتباطی و خود ابزار ارتباطات، امری خنثی و بی تأثیر نیست، بلکه هر یک از وسایل ارتباطی در متن و بطن خود پیام و جهت دار است و خود به خود پیامهایی را ارسال کرده و شکل می دهد. همچنین او معتقد است «محتوای هر وسیله خصیصه ذاتی آن وسیله را از نظر ما پنهان می کند» و از همین جهات است که گمان می شود وسایل در ذات خود خنثی و بی طرف هستند. اما اگر به وسایل دور از محتوا و پیامهایی که انتقال می دهند نظر شود، تأثیرات خاص وسایل تکنیکی بر فرهنگ و تفکر آدمی مشخص می گردد.

مک لوهان، در عین اینکه به نقش و ارزش وسایل فن آوری ارتباطات در جهان امروز واقف می باشد، عقیده دارد نفس وسایل تکنیکی ارتباطات، انسان تکنیک زده را دچار «توهم نارسسی» می کند. اسطوره یونانی نارسسیس، مستقیماً با انسانی ارتباط دارد که امروزه در برابر فن آوری قرار دارد.

«نارسسیس» به معنای «توهم زدگی»، نام جوانی است که تصویر خودش را در آب می بیند و آن را به جای فرد دیگری می گیرد. گسترش و تداوم وجودی نارسسیس، که در آب منعکس شده است، تا آنجا بر ادراک او اثر می گذارد که نارسسیس، بنده و شیفته تصویرش در آب می شود.

به نظر مک لوهان چون تمامی اختراعات یا فن آوری ها برای گسترش

حواس آدمی صورت گرفته مداوم فن آوری با انسان، او را همانند نارسیس در یک وضعیت توهم و ناآگاهی قرار می دهد. با پذیرفتن سلطه فن آوری انسان به مرور، خدمتگزار آن می شود. به همین دلیل هر گاه بخواهیم از ابزار فن آوری یا گسترش خارجی حواس خود استفاده کنیم، بناچار باید در خدمت آنها قرار گیریم و همانند نوعی مذهب به آنها احترام بگذاریم (۲۳)

در بررسی و نقد این نظریه باید گفت: گرچه فن آوری و ماشین در زندگی انسان تأثیر شگرفی به جای گذاشته است؛ به گونه ای که با حذف آن، زندگی انسان تقریباً غیر ممکن و غیر قابل تصور است. همچنین بلایایی که از این طریق بر انسان و جامعه بشری رسیده است کم نیست. انسان عصر ماشین، بیش از انسان گذشته به ماشین وابسته شده به گونه ای که تعبیر «انسان ماشین زده» در مورد او چندان به گزافه نیست. وابستگی به ماشین و حرکت ماشین وار زندگی انسان، باعث از خود بیگانگی وی شده و تا حد زیادی ماشین در تنظیم زندگی و روابط انسانها نقش بازی می کند. و در حقیقت انسانها به خود اجازه می دهند که به وسیله فن آوری اداره شوند. اما وجود گرایش و «جهت» در فن آوری و ابزار، به گونه ای که در عمل به انسان جهت می دهد و او را در مسیر مشخص دلخواه قرار دهد، چندان پذیرفتنی نیست. زیرا هر نوع گرایش و جهت، مستلزم نوعی التفات، آگاهی و علم است به چیزی که گرایش به آن تعلق می گیرد؛ به عبارت دیگر، گاهی گرایش میان دو جسم بدون شعور وجود دارد، مانند گرایش و میل آهن به سوی آهنربا، و گاهی گرایش میان یک موجود صاحب ادراک و موجودی دیگر (خواه مُدرک و خواه غیر مُدرک) برقرار است.

در صورت دوم، محال است گرایش به چیزی تعلق بگیرد، بی آنکه آن گرایش، همراه با شعور و ادراک باشد، بلکه همواره بیش از تعلق گرایش به آن شیء و یا همراه به آن شیء و یا همراه با گرایش، نوعی التفات و آگاهی به آن شیء در مُدرک وجود دارد و محال است گرایش به چیزی تعلق بگیرد، بی آنکه

متعلق آن به گونه‌ای برای صاحب‌گرایش، معلوم و شناخته شده نباشد. بر این اساس و با توجه به حقیقت‌گرایی و جهت‌دار بودن آن، باید گفت: در فن‌آوری و ابزار، هرگونه شعور و ادراک نفی شده و هیچگونه التفات، آگاهی و علمی در ماهیت آن نهفته نیست و کسی نیز تاکنون مدعی آن نشده است. در عالم وجود، این انسان است که دارای علم، شعور و قدرت ادراک در حد بالای آن می‌باشد. لذا از آنجایی که در فن‌آوری و ابزار، وجود هرگونه شعور و ادراک نفی شده است، هیچگونه گرایش و جهتی نیز نمی‌تواند داشته باشد؛ زیرا چنانکه گفته شد، هر نوع گرایش و جهت‌داری مستلزم وجود نوعی ادراک است که این ادراک در فن‌آوری و ابزار وجود ندارد.

بر این اساس، باید گفت: ابزار و فن‌آوری، نسبت به کاربرد آن در خیر و شر، در عدالت یا ظلم، در سعادت یا شقاوت، بی‌تفاوت است. ابزار فن‌آوری هم موارد مصرف خوب دارد و هم مصرف بد. به عبارت دیگر، مشکل در خود فن‌آوری نهفته نیست، بلکه مشکل مربوط به انسانهایی است که زمام فن‌آوری را در اختیار دارند و یا به خود اجازه می‌دهند که به وسیله فن‌آوری داده شوند. بنابراین باید از نوع بهره‌برداری از ابزار و فن‌آوری انتقاد نمود نه از خود فن‌آوری و ابزار. همانند آن مثل مشهور که «چاقو» شرّ نیست، بلکه اگر در دست زنگی مست و جنایتکار قرار گیرد زشت شمرده می‌شود، ولی اگر در دست جراح باکفایتی قرار گیرد و با آن غده‌ای سرطانی را از انسانی مریض جراحی کند، مسلماً نیکو شمرده می‌شود.

بنابراین، دیدگاه دوم به حق معتقد است که فن‌آوری تا بدین حد حامل نیست، بکله صرفاً نافذ، انتشاریابنده و تأثیرگذار می‌باشد و این انسان است که می‌تواند تحت نفوذ قدرت فن‌آوری قرار گرفته و آن را در مسیر شر قرار دهد. البته درباره انسان نیز باید گفت: انسان تنها یک ابزار نیست که نسبت به کاربرد آن در خیر یا شرّ بی‌تفاوت باشد. بلکه انسان گرایش به خیر و حق و عدالت دارد و

شرارت، صفت اصلی انسان نیست؛ لذا عامل انحراف در خارج از ذات انسان باید جستجو کرد. انسان همواره در جست و جوی آن بوده است که مؤثرترین راه را برای رسیدن به هدفهای مورد علاقه اش برگزیند و در این راه اگر بتواند معلومات و تجربیات خود را دسته بندی و آن را به دیگران منتقل کند، به آفرینش تکنیک خاصی توفیق یافته است.

ابزارها نیز در حقیقت جزء دنباله ها و امتدادهایی از دستان و مغز و وجود انسان نیستند. (چنانکه بعضی تصور می کنند). بر این اساس، حرکت فن آوری وار انسان، یک حرکت ذاتی است که از درون وی ریشه می گیرد که بخوبی شواهد آن را در تاریخ می بینیم و تولید فن آوری نیز از ذات و روان منطق عملی انسان مایه می گیرد و در نهایت فن آوری یک مخلوق انسانی می باشد. حال سؤال اساسی این است که انسان چگونه تحت سیطره، تسلط و نفوذ فن آوری و مخلوق خود قرار می گیرد؟

چگونگی سیطره فن آوری بر انسان

آنچه امروزه نتایج منفی و غیر قابل انکار آن فن آوری را بر همگان آشکار کرده است، تکیه بیش از حد بر سیانتیسم (علم گرایی محض) می باشد. بعد از چند قرن تلاش موفقیت آمیز بشر در محور علم و فن آوری که بارها ساختن جنبه های معنوی و آرمانی انسانی همراه بوده است، امروزه، همه دریافته اند که علم محض به پایان رسیده و خلاء معنویت جهان را پر و جامعه انسانی را با بحران معنویت و انسانیت مواجه کرده است. گرچه علم و فن آوری، پیشرفت یک جانبه داشته و انسان را توانا و قدرتمند کرده است، ولی انسان با فضیلت و آراسته به فضایل و ارزشهای انسانی در این روند ساخته نشده است.

این پیشرفت و تلاش یک جانبه انسان سبب شده که «انسان عالم و بی ایمان امروزه، با انسان جاهل بی ایمان دیروز که از نعمت علم و ایمان بی بهره

بوده است، از نظر طبیعت و ماهیت رفتارها و کردارها تفاوتی نداشته باشد. گرچه اعمال و کارکردهای بشر امروزی در مقایسه با بشر دیروزی از نظر نوع، کیفیت و گستردگی تخریب و تنوع جنایت و بزهکاری تفاوت بنیادین پیدا کرده است.

«ویل دورانت» نویسنده مجموعه معروف تاریخ تمدن در این رابطه می‌گوید:

«اختلاف دنیای قدیم با دنیای ماشینی جدید فقط در وسایل است نه در مقاصد... چه خواهید گفت اگر همه پیشرفتهای ما تنها اصلاح روشها و وسایل باشد نه بهبود و غایات و مقاصد». (۲۴)

بی تردید امروزه فن‌آوری بر ابعاد زندگی انسانها بویژه در مغرب زمین، نفوذ ریشه‌داری را یافته است. انسان مغرب زمین در جهت رهایی از تعالیم تحریف شده کلیسا در عهد انسانی به یکباره دل به علم سپرد و در نتیجه زمام اداره خود را به دست فن‌آوری سپرد. «هایدگر» در این زمینه می‌گوید:

«می‌توانیم از اسباب فنی استفاده کنیم و در عین حال با بهره‌گیری صحیح، خود را از قید آن آزاد نگاه داریم؛ یعنی هر زمان که خواستیم بتوانیم از بند آن خلاص شویم، می‌توانیم از اسباب صنعتی آنچنان که باید استفاده کنیم و در عین حال همچون چیزی که در گوهر باطنی و حقیقی ما تأثیر نبخشد رهاش کنیم. می‌توانیم هم بهره‌گیری ناگزیر از اسباب صنعتی را اثبات کنیم و هم حق سلطه آن را بر خود و نیز انحراف و تشویش و اتلاف طبیعت را نفی کنیم... اجازه خواهیم داد فن‌آوری در زندگی روزانه ما وارد شود و در عین حال بیرونش خواهیم گذاشت. درست مانند چیزهایی که مطلق نیستند و وابسته به اموری والاتراز خود هستند. من این نحوه سلوک با فن‌آوری را که مستلزم در عین حال هم آری و هم نه گفتن است با یک کلمه قدیمی تعبیر می‌کنم و آن «تبرای از اشیاء است». (۲۵)

«هایدگر» برای درگیری عملی انسان با فن آوری پیشرفته، تمسک به تفکر اصیل و معنوی را راه نجات معرفی می‌کند و می‌گوید:

«اکنون وقت ایزدیانی است که گریخته‌اند و وقت خدایی که می‌آید. زمان زمانه عسرت است زیرا زیر بار دو نه است: نه دیگر ایزدیانی که گریخته‌اند و نه هنوز خدایی که می‌آید.» (۲۶)

از دیدگاه جهان‌بینی اسلامی نیز موضوع قابل بررسی است. از نظر جهان‌بینی توحیدی اسلامی، جهان یک آفریده است که با عنایت، مشیت و اراده الهی نگهداری می‌شود.

اراده الهی است که جهان را اداره می‌کند و این اراده به صورت «سنت» یعنی به صورت قانون و اصل کلی در جهان جریان دارد. براساس یکی از سنتهای جاری الهی، جهان با آنچه در آن است، برای انسان خلق شده و همه عالم مسخر و رام انسان می‌باشد. جهان در اختیار انسان است و خداوند قدرت بهره‌برداری، رام و تسخیر نمودن آنها (زمین، دریا و فضا) را به او داده است. در این میان خوبی و بدی جهان و نیروی درون آن که در دسترس انسان قرار می‌گیرد، به نوع رفتار انسان در جهان و طرز برخورد و عمل او بستگی دارد. قرآن شریف این واقعیت را که جهان و نیروهای در آن مسخر و انسان است، به دین صورت بیان می‌کند:

«الم تروا ان الله سخر لكم ما فى السموات و ما فى الارض و اسبغ عليكم نعمة و ظاهرة و باطنة»

«آیا نمی‌بیند که خدا رام کرد برای شما آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و فراوان کرد بر شما روزیهای خویش را آشکار و نهان» (۲۷)

خداوند در این شریفه به رام بودن «آنچه در آسمانها و زمین است» در برابر انسان اشاره می‌کند.

در آیه دیگری خداوند خورشید، ماه، شب و روز را مسخر و رام انسان

معرفی می‌کند. (۲۸) و در آیه دیگر، علاوه بر موارد مذکور، ستارگان را نیز رام انسان معرفی می‌شود. (۲۹)

همچنین در آیه دیگری «دریا و آنچه در آن است را رام و مسخر انسان معرفی می‌کند». (۳۰)

پر واضح است که «موجود رام» همیشه در اختیار رام‌کننده است. لذا انسان همیشه می‌تواند زمین، آسمان، دریا و هر آنچه را که در آنهاست، به خواست و اراده الهی در اختیار داشته باشد و از آنها جهت اهداف خود سود گیرد.

از طرفی باید به این نکته اشاره کرد که موجود رام هیچگاه سرکش نخواهد شد، مگر اینکه انسان، خود در کنترل و اداره آن، ضعف و سستی نشان دهد یا گروهی از انسانها دست به سرکش نمودن آن نیروها بزنند و در نتیجه به گونه‌ای دیگر افسار کنترل آن را در اختیار گرفته و در جهت اهداف نامیمون خود به کار گیرند.

به هر حال، به نظر می‌رسد آنچه که باید اصلاح شود، مسیر فن‌آوری است و نه خود فن‌آوری. فن‌آوری عبارت از نیروهای موجود و به ودیعه نهاده شده از سوی خالق بزرگ در جهان است که اتفاقاً اراده الهی و خالق جهان بر رام بودن آن در برابر انسان قرار گرفته است. لذا این برداشت بدین معنا نیست که فن‌آوری به کناری نهاده شود، بلکه مراد آن است که خود انسان زمام فن‌آوری را در اختیار بگیرد و از آنها به عنوان ابزاری برای مصالح اخلاقی استفاده کند.

امروزه فرمان دانش و فن، اختراع و اکتشاف به دست استعمارگران بی‌رحمی افتاده که قیافه‌های وحشتناکشان را در پشت نقابهای ظاهر فریب مردم دوستی، آزادی خواهی، عدالت، دفاع از حقوق بشر، گسترش فرهنگ و... پنهان کرده‌اند و در پشت نقابها و پرده‌های رنگارنگ، ایده‌های غیرانسانی خود را عملی می‌کنند. امروزه هر پدیده علمی که ظهور می‌کند مبدل به اسلحه

مخربی برای کشتار انسانها می‌گردد و هر گامی که در راه ابداع و اختراع برداشته می‌شود، تبدیل به گامی برای نابودی و نیستی بشریت می‌گردد.

راسل در این مورد می‌گوید:

«بمب اتمی و حتی بیشتر از آن بمب نیدروژنی سبب ایجاد وحشت‌های تازه‌ای شده و نتایج علم را در زندگی بیش از پیش در معرض تردید قرار داده است.»^(۳۱)

نقش بزهکاران در تولید فن آوری

شیوه تولید فن آوری در گذشته و حال، عمیقاً متفاوت شده است. در نخستین شکل از تولید فن آوری، مخترع به تنهایی در یک اتاق و یک آزمایشگاه محقر، وسیله و دستگاهی اختراع می‌کرد و با الهام گرفتن از نیاز بازار، شخص سرمایه‌داری را به نوآوری خود راغب می‌ساخت تا منابع مالی لازم برای ساختن «نمونه» کار را فراهم آورد. چه بسا در اولین بار و در آزمایشهای اولیه، نمونه، خوب از کار در نمی‌آید، در نتیجه به علت عدم تداوم حمایت مالی، اختراع و نوآوری در نطفه خفه می‌شد و احیای آن و از سرگیری آزمایشهای مجدد غیرممکن می‌نمود. به فرض هم که نمونه کار ساخته شد، آنگاه پیدا کردن مؤسسه یا کارخانه‌ای که نسبت به تولید انبوه و به کارگیری این اختراع تمایل نشان دهد و دست به خطر بزند، کاری سخت‌تر از گام اول بود.

لکن امروزه شیوه تولید فن آوری کاملاً با گذشته متفاوت شده است. امروزه برای عمل نمودن آنچه که در تصور و ذهن می‌گذرد، وسایل و امکانات فنی بسیار سنگینی را می‌طلبد که تنها از طریق پژوهشهای گروهی، میان رشته‌ای و تهیه منابع مالی مهمی امکان‌پذیر می‌باشد. بدیهی است تهیه این منابع و امکانات، تنها از عهده سازمانهای تحقیقاتی و مؤسسات بزرگ و نیرومند عمومی و یا خصوصی بر می‌آید.

همچنین هرگونه اختراع و اکتشاف که با توانمندی شخص یا گروهی، با

هر قصد و نیت حتی بزهکارانه، منجر شود، تنها از طریق برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، آنچه که در پایین دست سلسله مراتب سازمانی از سوی مخترعان و دانشمندان گمنام و در اختیار، به اختراع می‌انجامد، در حقیقت محصول خواست برنامه‌ریزی شده سازمانها و اشخاص برتر در بالا دست سلسله مراتب سازمانی است.

بزهکاران نیز دقیقاً با آگاهی بر روند چگونگی تولید فن‌آوری، اقدام به در اختیار گرفتن آن می‌کنند. در زمانهای گذشته که تولید فن‌آوری از سوی افراد مخترع به تنهایی پیگیری می‌شد، بعضاً با جلب و تأمین نظر و تطمیع و تهدید آنان، فن‌آوری ابداعی را قبل از هرکسی در اختیار می‌گرفتند و چه بسا براساس نیاز خود، سفارش تولید ویژه و اختراع خاصی را از طرق مستقیم و غیرمستقیم به صاحبان اندیشه و مخترعان می‌رساندند. ولی به مرور و با توجه به تغییر شیوه‌های تولید فن‌آوری و پیچیده شدن روند آن، این بار گروه‌های بزهکاران، اقدام به تشکیل سازمانهای تحقیقاتی و مؤسسات تولیدی و جذب و استخدام مخترعان و دانشمندان می‌نمایند. هم‌اکنون آزمایشگاهها و کارگاههای پیشرفته، به تولید فن‌آوری و وسایل پیشرفته مشغولند که تنها هدف آن، به کارگیری ابداعات و اختراعات در مسیر بزه و جنایت می‌باشد: امروزه با توجه به پیشرفت فن‌آوری، بزهکاری نیز لزوماً پیشرفت نموده و بزهکاری پیشرفته نیز مرهون اقدامات بزهکارانی است که در دانش فنی، علم و به کارگیری وسایل تحقیقاتی پیشرفته، دارای تبحر و ورزیدگی هستند.

به نظر می‌رسد دیگر عصر بزهکارانی که بهره‌ای از قوای دماغی نداشته‌اند و تنها با زور بازو، اسلحه و شمشیر به اهداف خود دست می‌یافتند به سر آمده باشد و در دوران جدید، که آن را دوران علم و فن‌آوری می‌نامیم، بزهکاران، خود از صاحبان و تولیدکنندگان فن‌آوری (و صد البته با مصارف خاص خود) هستند و اینگونه باید این عصر را، عصر بزهکاری پیشرفته نامید.

البته اثبات این نظریه نیز چندان مشکل نیست. وقتی عصر صنعتی فرا رسید، بزهکاران نیز به صنعت دست یازیدند. در حقیقت بزهکاران فرزندان زمان خود بوده و در صدد نو کردن وسایل و تجهیزات مورد نیاز در انجام بزه هستند و بر این اساس خود را به پیشرفته‌ترین وسایل عصر مجهز می‌کنند. وقتی فن آوری پیشرفته در اختیارشان قرار گرفت، محصول عمل آنان، یعنی بزه و جنایت؛ نیز پیشرفته‌تر می‌شود.

هم اکنون تندروترین هواپیماها، خودروها، تجهیزات رایانه‌ای، رادارها، سلاح‌های شیمیایی و کشتار جمعی، دقیق‌ترین تجهیزات جعل اسناد، مدارک و پول و... از سوی بزهکاران به کار گرفته می‌شود.

معدوده و سطح فن آوری مورد استفاده بزهکاران

اصولاً فن آوریهای موجود در یک کشور و جامعه را می‌توان در سه سطح تقسیم‌بندی نمود:

اول - سطح فن آوری علمی موجود در یک جامعه:

این سطح از فن آوری، بالاترین سطح فن آوری در یک جامعه را نشان می‌دهد که تنها در دانشگاهها، مراکز علمی و پژوهشی و قطبهای تحقیقاتی کشور وجود دارد. این مرکز و مؤسسات در هر کشوری به علت برخورداری از نخبگان و اندیشمندان خود، در بهترین وضعیت از نظر کیفیت و میزان فن آوری قرار دارند.

دوم - فن آوری حاکم بر مؤسسات رده بالای کشورها:

دومین سطح از فن آوری را، فن آوری موجود و به کار رفته در مؤسسات و دستگاههای کلیدی هر کشور و جامعه‌ای تشکیل می‌دهد. این مؤسسات و

مراکز، با توجه به اهمیت و نیز برخورداری از امکانات و بودجه‌های بالا، از گروهی از نخبگان و جامعه که با فعالیتهای عملی نیز درگیر هستند، سود می‌برند و در حقیقت بخش علوم کاربردی یک جامعه را به صورت تخصصی و پیشرفته تشکیل می‌دهند.

سوم - فن آوری موجود و مورد استفاده در سطح عموم جامعه:

این سطح از فن آوری بطور طبیعی از کیفیت پایین‌تری نسبت به سطوح دو گانه فوق برخوردار است. فن آوری با این سطح و کیفیت مورد استفاده و بهره‌برداری روزمره قرار می‌گیرد و همه افراد جامعه توانایی به کارگیری آن را داشته و از پیچیدگی چندانی برخوردار نیست.

نکته قابل ذکر، فاصله بین سطوح مختلف و تفاوت کیفی و ماهوی آنها با هم است. در کشورهای پیشرفته تفاوت سطوح، نسبتاً کم است هرگونه تغییر کیفی در سطوح بالاتر، به سطوح پایین‌تر نیز سرایت می‌کند، ولی در کشورهای در حال توسعه، فاصله بین سطوح، بسیار زیاد و محسوس می‌باشد.

در مورد اینکه بزهکاران از چه سطحی از سطوح سه گانه فن آوری برخوردارند، باید گفت: گروههای بزهکارانه بسته به توان علمی و لجستیکی، توانایی و برخورداری از هر یک از سطوح سه گانه را دارند. برخورداری از سطوح سوم بدیهی بوده و نیاز به شرح و توضیح ندارد؛ لکن این سطح از فن آوری عموماً مورد استفاده بزهکاران ساده و در عملیتهای بزهکارانه معمولی قرار می‌گیرد. بدیهی است برخورداری از سطوح بالای فن آوری نیز بین گروههای مختلف بزهکاران متفاوت است. بعضی از گروههای سازمان یافته بزهکاران با داشتن عوامل نفوذی، توان مالی بالا و انگیزه کافی، شانس برخورداری بیشتری از فن آوری پیشرفته را دارند.

اصولاً عوامل و علل اصلی عدم گسترش و سرایت فن آوری از سطح اول

به دو سطح دیگر را می‌توان به گونه زیر شمرد:

۱- جهل و بی‌اطلاعی از فن‌آوری برتر،

۲- هزینه بالا در به‌کارگیری،

۳- محدودیتهای قانونی نظیر حق اعضا و وجود مؤسسات انحصاری. بر اساس این حق، هر مؤسسه با ثبت اختراع، ابداع و یا روش تولید خاص می‌تواند به انحصار، تولید یا روش تولیدی کالایی را برای مدتی در اختیار داشته باشد.

با وجود اینکه موانع متعددی برای جلوگیری از انتقال اطلاعات و دانش پیشرفته به دیگران به ویژه بزهکاران ایجاد شده است، گروههای بزهکار تمامی موانع را از میان برداشته و خود را به خوان گسترده دانش بشری می‌رسانند و با دستیابی به فن‌آوری برتر، روزبه‌روز بر بزهکاری خود توسعه: وسعت و پیچیدگی بیشتری می‌بخشند.

پر واضح است که هیچیک از این عوامل و علل نمی‌تواند مانع دستیابی بزهکاران به فن‌آوری پیشرفته و در حال توسعه باشد؛ زیرا آنها همواره با چشمانی باز، حرکت‌های مجامع علمی، آکادمیهای علوم و دانشمندان و نخبگان را زیر نظر داشته و با نفوذ در میان آنان، آخرین اطلاعات و آگاهیها را به دست می‌آورند. هم‌اکنون «سرقت اطلاعات و جاسوسی علمی» خود به صورت یک نوع بزهکاری پیشرفته درآمده که لازم است در یکی از بخشهای این مقاله مورد اشاره قرار گیرد. همچنین هزینه‌های مالی به هیچوجه در مقابل قدرت و برتری که فن‌آوری برتر و جدید به بزهکاران می‌بخشد، مانعی محسوب نمی‌شود؛ زیرا آنها قادرند با انجام یک عملیات بزهکارانه ساده، چند برابر مبلغ مورد نیاز را جهت دسترسی به اطلاعات، ایجاد زمینه و به‌کارگیری تجهیزات و نیروهای انسانی فراهم کنند. تکلیف محدودیتهای قانونی نیز پیشاپیش روشن است. گروههای بزهکار برای زیر پا نهادن قانون و مقررات، هیچ تردیدی ندارند و اصولاً ماهیت وجودی و نوع عمل و کنش آنان را اعمال ضد قانون تشکیل

می‌دهد؛ و به عبارت دیگر علت پیدایش و پایداری بزهکاری همانا خروج از قوانین و مقررات شناخته شده می‌باشد.

تأثیر محیط تکنولوژیک بر توسعه بزهکاری

به طور کلی عوامل مؤثر در بزهکاری به دو دسته تقسیم می‌شوند:

عوامل اولیه - که در سرشت، ذات، وضع جسمانی، شخصیت و اختصاصات روانی و خلقی دیده می‌شود که آنها را عوامل ذاتی و یا علل فردی و اولیه می‌گویند.

عوامل ثانویه - عوامل محیطی و خارجی هستند که در روی فرد تأثیر ثانوی خواهند گذاشت؛ همانند اجتماع و محیطی که در آن رشد و نمو نموده و زندگی می‌کند.

از نظر روانشناسی کیفی، نتیجه ترکیب یک یا چند عنصر از این عوامل ارتکاب جرم را باعث می‌شود. درباره عوامل ثانویه و یا علل خارجی در ارتکاب جرایم و بزه‌ها، بطور خلاصه باید گفت: محیط و عوامل خارجی بدون تردید در حالات روانی تأثیر می‌گذارند. فرد و محیط دائماً در تغییر و تحولند و هر کدام روی دیگری اثرات مطلوب یا نامطلوب می‌گذارند. در محیطی که دگرگونی‌هایی ایجاد می‌شود، این دگرگونیها بر روی اجتماع و فرد مؤثر خواهد بود. این تحولات همانند وراثت و ژنتیک نقش اساسی و غیر قابل تردیدی بر روی اشخاص به جای خواهد گذاشت.

بی تردید، آداب و رسوم و شرایط اقلیمی، اثرات مستقیمی در ارتکاب انواع جرایم محیطی دارند؛ مثلاً جرایم و انواع مختلف آن در کشورهای اروپایی، آمریکایی، آسیایی و آفریقایی متفاوت است و هر اجتماعی بسته به نوع وضعیت جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی، علمی و فرهنگی، دارای جرایم خاص می‌باشد.

همچنین آنچه که در فضای علمی، فرهنگی و فن‌آوری رخ می‌دهد،

سریعاً در زندگی اجتماعی رخ می‌نمایاند و تأثیرات شگرفی را پدید می‌آورد. نوع زندگی، رفت و آمد، خوراک و پوشاک، مسکن و بزه و بزهکاری و... و در یک کلمه انسان، تحت تأثیر دگرگونیهای ایجاد شده در محیط علمی و تکنولوژیک قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، وسایل ارتباط جمعی به عنوان یکی از دستاوردهای مهم فن‌آوری پیشرفته، تأثیر شگرفی در جامعه به جای می‌گذارد. اگر پیام‌رسانی در جهت خیر و سعادت باشد، مسلماً جامعه و افراد انسانی را به صلاح و رستگاری رهنمون می‌شود و اگر در جهت شر، انحراف و شقاوت باشد، بی‌تردید اثرات بسیار ناگوار، بیماری‌زا و جنایت‌بار خواهد داشت.

هم‌اکنون آموزش جرایم و جنایات از طریق رسانه‌ها به ویژه «اینترنت»، به عنوان یک امر معمولی درآمده است. این پیشرفت فن‌آوری در حقیقت، آشنایی با جرایم و نحوه ارتکاب آن، چگونگی مقابله با مأموران انتظامی و پلیس، اختفای اموال مسروقه و... را به سادگی به کلیه کاربران از کودکان و خردسال گرفته تا بزرگسالان، آموزش می‌دهد، به یک تعبیر دیگر، محیط زندگی آنان را به محیط ارتکاب جرم و جنایت نزدیک و همسان می‌کند.

نکته قابل ذکر آن است که لازم نیست اثرات منفی فن‌آوری و محیط علمی بر انسانها فوری و آنی باشد، بلکه تأثیرات آن ممکن است پس از مدتی ظاهر شود؛ گرچه در بعضی از موارد می‌تواند تأثیر فوری و آنی نیز داشته باشد بر این اساس، محیط تکنولوژیک بر توسعه کمی و کیفی بزهکاری مؤثر است. نیم‌نگاهی به آمار و نوع بزه‌های ارتکابی در کشورهای پیشرفته این واقعیت را آشکار می‌کند که در این کشورها به مدد و قدرت فن‌آوری، بزهکاری از تنوع فراوانی برخوردار بوده و از نظر کمیت و کیفیت در حال توسعه و پیشرفت می‌باشد. این مسأله در کشورهای در حال توسعه که نسیم فن‌آوری بطور ناقص و گذرا به آنها رسیده است، نیز صادق می‌باشد. ►

ادامه دارد.

۱- و اذقال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفه، قالوا اتجعل فيها من يفسد فيها و يسفك الدماء و نحن نسيح بحمدك و نقديس لك قال اني اعلم مالا تعلمون (سوره بقره، آيه ۳۰)

۲- فازلهم الشيطان عنها فاخرجهما مما كانا فيه و قلنا اميطوا بعضكم لبعض عدو و لكم في الارض مستقر و متاع الى حين» (سوره بقره، آيه ۳۶)

۳- «فطوعت له نفسه قتل اخيه فقتله فاصبح من الخاسرين. فبعث الله غراباً يبيحث في الارض ليبريه كيف يواري سواة اخيه قال يا ويلتى اعجزت ان اكون مثل هذا الغراب فأواري سواة اخي فأصبح من النادمين» (مائده، ۳۰ و ۳۱)

۴- (آل عمران - آيه ۱۴۰)

۵- فصلنامه ارغنون، شماره اول، مقاله هنر و فن، تأليف كاتلين وود وود، ترجمه محمد سياهپوش، ص ۱۲۵.

۶- ياسپرس، كارل، آغاز و انجام تاريخ، ترجمه محمد حسن لطفی، ص ۱۳۵.

۷- هايدگر، مارتين، پرسش درباب تكنولوژی، ترجمه محمدرضا اسدی، ص ۱۹.

۸- همان، ص ۹۲ و ۹۳.

۹- همان ص ۹۴.

۱۰- روز بهان، محمود، مبانی توسعه اقتصادی، ص ۱۱۵.

۱۱- همان ص ۱۱۸. *تال جامع علوم انسانی*

۱۲- همان، به نقل از:

"A.P.Usher"Technical change and cadcapical Formation", 1956

Baranson -۱۳

۱۴- امانوئل. ارگیری، تكنولوژی مناسب يا تكنولوژی عقب افتاده. ترجمه ناصر

موقیان، ص ۱۵، چاپ اول، ۱۳۷۴، شركت انتشارات علمی و فرهنگی.

G.K. Galbraith -۱۵

- ۱۶- همان.
- ۱۷- G.L.Reuber
- ۱۸- همان.
- ۱۹- OECD (۱۹۷۸) ص ۲۶.
- ۲۰- امانوئل، آرگیری، همان، ص ۱۷.
- ۲۱- همان، ص ۱۷ و ۱۸.
- ۲۲- همان، ص ۲۵.
- ۲۳- مک لوهان، مارشال، شناخت رسانه‌ها، ترجمه و تلخیص بخش اول این کتاب از عبدالحمید زرین قلم.
- ۲۴- ویل دورانت، لذات فلسفه، ص ۲۹۲.
- ۲۵- مقاله خطا به یادبود، ترجمه محمدرضا جوزی، نشریه معارف، دوره سوم، شماره ۲، ص ۱۲۷.
- ۲۶- پرسشی در باب تکنولوژی ص ۱۱، به نقل از مجله اشپیگل (۱۹۶۶) ترجمه آرامش دوستدار، نیز به نقل از «تفکر دیگر» محمد مدد پور، ص ۸۵.
- ۲۷- سوره لقمان، آیه ۲۰.
- ۲۸- سوره ابراهیم، آیه ۳۳. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۲۹- سوره نمل، آیه ۱۲. پرتال جامع علوم انسانی
- ۳۰- سوره نمل،
- ۳۱- برتراند، راسل، تأثیر علم بر اجتماع، ص ۱۴۶.